

به نظر شما در شرایط کنونی ترانه چقد نه به بسروز و ظهور د ویژه با برنامههایی چاون «هزارصدا» که مدتهاست با هدف کشف استعدادهای **جوان در عرصه موسیقی بر گزار می شود؟** ایده ســاخت برنامهای چونهــزار صدا خور

.. بوده است، چون به نظر می رسد که این همه تولیدات موسیقی هم به شکل عادی و هم در فضای مجازی بالاخره به نظار تی احتیاج دارد و بالاخره باید ارزیایی در این زُمینه علمی باشد. در واقع از آنجایی که ما در حوزه موسیقی با یک جور خلاً نظار تی، منظور م نظار ت هنری و علمی تُ، مواجه بُودهايم، لذُا گُنجانُدن برنامهُ هَايي از ت اتفاق خوشایندی محسوب مے شود. ں'۔ دس .... حتی به خاطرم هســت در دورههای نخس برگــزاری برنامه «هزارصدا» میزان اســـت این برنامه به گونهای بُود که دست آندر کاران این برنامه ناچار به فروختن بلیت شدند تا مخاطبانی در این برنامه شرکت کنند که به موسیقی علاقه و اُهلیت دارنــد. بنابراین به نظــرم ُهر قدمی در زمینه موسیقی برداشته شــود ارزنده است. زیرا هُمانطُـور که می دانید موسـُـیقی در شــرایط کنونی به حال خودر هاشده و به نوعی، تکلیف آن ی نیست. به ویژه این که هنوز در این وادی، بسیاری از پرسشهای بنیادین مانند این که چرا در موسیقے ، صدا هست، تصویر نیست، تعریف ما ر ر ر ... ی از موسیقی فاخر چیست، چه نوع موسیقی باید مجاز شناخته شــود و... به قوت خود باقی است. درحاًلی که می توانستیم در حیطه موسیقی فعالیتهای زیادی انجام بدهیم. به عنوان مثال می توانستیم در این سـالها در زمینه موسیقی ی ، پاپ به عرضه آثار خــود بپردازیم و بدانیم که در پن زمینه هم می توان به آثار خوب دست یافت، ولی همان طور که گفتم موسیقی هنوز به لحاظ بنیادی پذیرفته شده نیست و تا زمانی که این

دیگر زوایای مغفول موسیقی شناسایی شود. حالا بــا ایـــن اوصـــاف که بــه قول شــ موسیقی هنوز با پرسشهای حل نشده زیادی دست به گریبان است، ترانه توانسته جانگاه خود را بیداکند؟

مسأله مرتفع نشود نمى توان انتظار داشت كه

بیات طوح را پیات مصاد به هرحال، یکی از ابزارهای اصلی دنیای موسیقی در شرایط کنونی، کلام است. به ویژه روز کــه مخاطبان از ســنین کودکــی یعنی ۱-۹سالگی وارد حوزه شــنیداری میشوند و امروز کے مُخاطبان از سُ موسیقی گوش می کنند بنابراین، کلام در یک اثر موسیقایی نقش مهمی را ایفا می کند منتهی حرف اساسی من هنوز هم این است که باید پیش از هرچیز، تکلیفمان را با مقوله موسیقی روشن کنیم. اگر میخواهیم این بچه (منظورم مُوسیقی استُ ) تربیتُ شود خب باید نشاُن بدهیم کـه ویژگیهای تربیت خوب چیست، متاسفانه وقتى هم كه تصميم بم حمايت از یقی گرفته میشود، موسیقی ماموریتی و سیاسی بیش از دیگر ژانرهای موسیقی مورد ر ... حمایت واقع می شـوند. درحالی که منظور من این اسـت که در درجه نخسـت بدانیـم الگوی موسيقي خوب چيست و بعداز آن فكرى به حال

ر موسیقی خوب از دیدگاه شما چیست؟ موسیقی که عامه مردم آن را بپسندند و درعین حال، خواص هم بـه آن ایرادی نگیرند. البَّه این مولفه فقط مختص موسیقی نیست، بلکه این مسأله درباره تمام هنرها صدق می کند. بعنی هنری خوب است که مور دیسند اقشار - یی رای جامعه قرار بگیرد و فراگیر باشد. به عنوان مثال؛ آلبوم «ته فرشتهام نه شیطان» همایون شجریان که در ماههای اخیر منتشــر شده است به خوبی

ه غزل و متنوی بوده است و در ادای تر انه سرایی نیز به ارایه آثار خوبی برداخته است. او در کار نامه ه شعری خود انتشار آثاری چون «آوازهای وابسین»، «مر ثیه روح»، «سال های تاکنون»، «حتی اگر آینه باشسی»، «زنبیلی از ترانه»، ففرصت نایاب»، «گزیده ادبیات معاصر»، «باسسکوت حرف ر برید. میزنم»، «بررســی تطبیقی ادبیات پایداری جهان»، «دنیای بی آواز»، «حبس سکوت»، «حق با توست» و... را ثبت کرده است. با او درباره وضع ترانه سر ایی و شعر به گفت و گونشسته ایم. دارای چنین مولفه ای است به طوری که خود من به ُشخصه سه ماه این آلبوم را گوش دادم و ُلذت بردم. در واقع باعث خوشـحالی است که گاهی ار اثری خلق می شود که مُخاطب می توانداز رهگذر تولید این اثر ، سه ماه تغذیه فکری داشتِه باشد.

آزاده صالحی| عبدالجبار کاکایی یکی از شساعران و ترانهسـرایان معاصر اسـت. کاکایی شاعر بســیاری از تیتراژهای سریال های تلویزیونی نیز اسـت. علاقه کاکایی در حیطه شعر به سرودن

در عرصه موسیقی پاپ و هم سینتی) ما گرفته شـود، آن اثر خالی از لطف میشود. ے ر بت به این مہ دیدگاه خود شــما نُس جىست؟ .. درست اسست، ضمن این که نارسایی درحال حاضر در تمام زمینههای تولید موسیقی مثل ملودی، تنظیم و ... وجود دارد از اینها گذشته امروز با فقر ملودی هم مواجه هستیم. به بیان

برخى از هنرمندان به اين مساله اشاره

می کنند اگــر کلام از موســیقی امروز (هم

ســاده تر، اگر کلام امــروز در حیطه موســیقی برجسته میشــود بهخاطر ضعف ملودی است. در حالی که در سـت این اسـت که هر سه مولفه یعنی ملودی و ترانه و تنظیه به کمک هم بیایندو به خلق یک اثر ماندگار منجر شوند. ولی متاسفانه ما با ضعف ملودی مواجه هستیم و این که در حال حاضر، آهنگساز برجسته به آن شکلی که باید ندار بهیه خاطر چنین ضعفهایی است که موسیقی ما برگرفته از موسیقی کشورهایی چون یونان، ترکیه، هند و... شـده است. در واقع پروسیقی امروز ما به خاطر ضعفهایی که با آن مواجه است از خارج از مرزها می آیسد و تولید وسيقي مان كمتر است. نســل قديم موسيقي و نسل کامپیوتر باز امروز آمدهاند، اغلب ساز ها الکترونیکی و صداها دستکاری شدهاند به خصــوص در عرصه موســیقی پاپ که روز بیشــتر با صداســازی و دســتکاری مروز بينا

صداهامواجههستيم؟ ۰۰ . ت. در موسیقی پاپ بیشتر اس این یک آسیب نیست؟

این یک اسیب نیست: خب موسیقی خودش دارد آسیب میبیند. همانطور که گفتم همه چیز به این برمی گردد کــه تکلیــف هنــر بهطــور معمول ه ... ... ـت،یعنی نه نهاد صنفی قدر تمندی بهطور مشخص به حمایت از موســیقی میپردازد و نه نسبت به آن نقدهای جدی در نشریات صورت می گیرد. همان تعداد نشستهایی هم که حول تور موسیقی و ترانه در سالهای اخیر بر گزار می شد رو به رکود و تعطیلی رفته اس نشستهای عصر شعر و ترانه که بهرغم استقبال گستردهای که نسبت به آن میشد تعطیل گستردهای که نسبت به آن می شد تعطیل شد، درحالی که ادامه آن می توانست تحولات گستردهای در زمینه موسیقی ایجاد کند. با این حال امیدوارم چراغ دیگر محافلی که بااین رونمایه درحال حاضر فعال هستند، مثل برنامه . فزارصدا» همچنان روشن بماند.

درونمایــه ترانههــای امــروز را چطــور

ه... .. بهنظرم تم ترانه بستگی زیادی به سراینده آن دارد. امروز از طیفهای مختلفی ترانهسرا داریم، یعنی هم ترانهسرای هجده ساله داریم و هم نرانهســرایی که در این وادی به پختگی رسیده

است. ولى معمولا خبود مين كلام أن گروه از ست، وی معمود حــود صن تعام آن دروه از ترانهسرایاتی را دوست دارم که احساس کنم در حین توجه به ترانهسرایی معاصر، گوشهچشمی هم بــه ادبیــات کلاســیک دارنـــد و زوایایی از مقولههای حکمت و فلســفه و جامعهشناســی بیز ُدر این آثار دیده ُمیشـود. ُچــون همواره بر این باورم که ترانه باید بار محتوایی داشــته باشد و چیزی به مخاطبی کـه می خواهد یک ترانه را گوش کند بدهد. ترانه نباید خنثی باشـ ۰۰۰ پر ۱۸ م کند. چنین ترانههایی مثل پیداکر دن رگه طلادر معدن سنگ و سیمان است.

منظر شما چنددرصد از ترانههای امروز

داراي چُنين مولفهاي هستُندُ؟ ر کی پ کی کر کی به سطح استاندارد برای نرانه سـرایی مقولهای اسـت که یک شبه میسر روز سربی معولهای است که یکشبه میس نمی شـود و محتـاج عرق ریزان روح و کسـم تجربه اسـت تا ح ف قه ۱ تُ تا حرف قصار و نويسي از دل ترانه ستخراج شـود. مثل جمله: یک پایان تلخ بهتر از تلخی بی پایان است، در حال حاضر برخی از ترانهها هستند که مخاطب به محض شنیدن أنها متوجه مىشود كه روى اين ترانه ها فكر شده ت. البُّته ممكنُ اســتُ اين مولُّفه در برخًى از نرانه سرایان جوان امروز هم دیده شود. یعنی گاه ر ریافت و نبوغ در یک جوان باعث شده تا او در سن بیستوپنج سالگی به درجات بالایی دست یابد و به پختگی برسید. ولی معمولا شعر و ترانه و عالم فکر و کلام از دیرباز تا امروز نیازمند رشید فُکری و توسّعه فرهنگی بوده اُسّت و بایداین مسأله را بهعنوان اصلی ثابت بپذیریم که ترانه باید حــرف و پیام تازهای به ما بدهد تا ما دســ خالی از گوش کــردن آن برنگردیم. منظورم این اســت که نباید دیالوگـهای روزمــره در ترانهها ب شنیده شیودر: برا مخاطب نیا: مند شنیدر: چیزهای تازهای فراتر از دیالوگهای دمدستی و

عاشقانهها شُــُده و این طور بهنظر میرس که ترانههــای اجتماعی و گاه سیاســی ، بر محمدی اجتماعی و گاه سیاسی به دلیل کم اقبالی در انزواقرار می گیرند؟ خب! مدمه قد کست خب! من معتقدم که ترانه سیاسی-اجتماعی در دوره ما وجـود ندارد، البته به شـکل معدود

ترانه اجتماعی داشته ایم. ضمن این که فکر می کنم جامعه امروز ما مستعد شنیده شدن در دهایی چون فقر، فحشا، عدم اشتغال، مسئله رحدیی پون سرد مستدر استان مایسان دارد که امـرار معاش و...اسـت و اتفاقا تمایـل دارد که دردهای اجتماعش را از طریق ترانه بشنود ولی مهم این است که چنین ترانه هایی چگونه سروده شوند تا بتواند نزد مخاطب تاثیر گذار باشد. ولی در اغلـب موارد، مهـر ورود مقابـل این کلمات فورده مىشــُود، چونُ بُرُخى بر ايــن باورند كه

ولَــى امــروز بيشــتر ترانههــا مبتنى بر

وبهنظرماز این رهگذر ترانهسرایان نیز به خودسانسوری افتادهاند؟

ت، ترانەسرايان چون مىداننداين , ست اســـ ها مجوز نمی گیرند به ســراغ سرودن از این وراحه نمبور طبی غیرته به سدوع سروس از این مضامین نمی روند، شــر کتهای موســیقی هم روی این آئــار ســرمایه گذاری نمی کنند چون میداننــد یا مجوز نمی گیرند یــااگر هم بگیرند مستلزم پروسـهای طولانی و زمانبر خواهد بود. روی این اصل مـا ترانه اجتماعی بــه آن معنی ، به همین دلیــل در وادی ترانهســرای<u>ـ</u> شرایط در حوزه ادبیات کلامی بر طنز بیشتر باز شده استُ كهُ البته آن هم دارد به سمّت لودُّكُ میرود و منتقد جـدی هم نـدارد، درحالی که جوهر اصلى كلام مغفول مانده است.

يُکُ سوال هم درباره شعر دارم، برخی شاعران براين باورند رسالت شعر بيان کردن مسائل اجتماعی نیست، بلکه شاعر موظف است دغدغهها و درونیات ر در کی سبت مصنعه و درونیات خود را تصویـر کند، چقدر با این مسـأله موافق هستید؟

مورسی مستید. خب! فکـر نمی کنم ایـن حـرف متعهدانه باشـد، چون تعهد اخلاقی را نمی توان از شاعر گرفت. اصلا تعهد داشــتن اکتسـابی نیست و ر مثل دیگــر خصایص اخلاقی ماننــد غیرت در ذات فرد نهفته است. یعنی یک صفت و فطرت است و ده بهدست یعنی بیت متعاو و شد است. حتی برخی از شاعران دورههای گذشته بودهاند که شـعر را ابــزار قرار دادهاننــد و از آن بهعنوان وسیلهای برای بیان مسائل اجتماعی استفاده کردهاند. مثل هوشنگ ابتهاج ولی در

حال این که بگوییم از مسائل اجتماع گفتن، کار شاعر نیست را به شخصه قبول ندارم ولی قبول داریداگر درحال حاضر بازار کتابهای شعر در رکود قرار گرفته به این خاطر است که شاعران به حدیث نفس گویسی افتادهاند؟ انسگار برخسی از شاعراًن بيش از هر چيز، درگير احوالات

شخصی خود هستند و به همین دلیل است که مخاطب با این آثار نمی تواند به درستی ارتباط برقرار کند. اعر باید در هر حال عنصر مفیدی برای جامعه خود باشد. یعنی باید فهمی از

ر کی ... شعر عایدش شود. پس ضرورت دارد که درباره نارساییهای مـادی و معنوی جامعه شـعر یگوید. شاعر باید مفید باشد و به قول شمار این ندیت نفس گویی ها در قالیب مجموعه های شعر، راه به جایی نمی برد و مخاطب نمی تواند ستره رما به جایی عهی برد و نمان عبا مهی تواند با این اشـعار ارتباط برقرار کنــد. درواقع، بیان دغدغه ها و دلشــورهها بدون داشــتن پشتوانه اجتماعــی نمی توانــد نــزد مخاطــب مقبول بیفتدیــا روابط معمول عاطفــی که حتی فاقد عُشــقهایُ عمیــق آســمانی و زمینی اســت جذابیت چندانی نزد مخاطب نخواهد داشــت. به عنوان مثال، اگر مولانا می نشست و به جای س از خَود و زندگی شخصیاش میگفت فكــر نمي كنم امروز جاودانه مىشــد. درحالى کــه مولانا زندگــی عاشــقانهای داشــته ولی شــعرهایش را وقف زندگی شخصیاش نکرده بلکه از مفاهیم بزرگ تری صحبت کرده است. بُ مَى توانَ گفــت كهُ در حال بله، ترانه مدتی است تبدیل به قالبی شده که ارتباط گسترده تر و مخاطب بیشتری که ارتباط گسترده تر و مخاطب بیشتری دارد.البتـه تجربـه نشـان داده ترانه هایی که به مرحله اجرا رســيده، ش می شوند به دلیل متبادر کردن خاطرات به ی ذهن مخاطب، از جذابیت بیشــتری برخُوردار هستند تا آن ترانههایی که برای نخستین بار در قالب كتاب منتشر و شينيده مي شوند. از اينها 

در محافل شـعرخوانی هم، اقل سعرخوانی هم، شاعران وقتی پشت تریبون میآیند بهجای خواندن شعر،به خواندن شعر،به خواندن . ترانههای خود

سفارشی کار کر دن موافق هستید؟ یک زمانی سـفارش را خود جامعه به

شعر فجر برعهده شـما بود بر مسأله چند صدایی تأکید زیادی داشــتید، این مسأله چِقدر توانسته در حیطه ادبیات معاصر ما

.... بله این اتفاقی بود که در آن زمان تمایل زیادی داشتم تا صورت بگیرد و همان طور ئه اشاره کردید زمانی که دبیر جشنواره شعر فجر بودم پیشنهاد هم دادم ولی متاسفانه در پرداختن به این مسأله از سوی رسانهها و شاید اهالی فرهنگ و ادب کملطفی شد. در حالی که ای کاش مساله چند صدایی محقق می شد تا شاهد شنیده شدن صدای تمام نحله های ساهد سیده سندن صدای مصام بحدهای ادبی باشیم. به هرحال اگر این اتفاق می افتاد راههای بیشیتری باز می شد. البتیه برخی با بدبیتی به این مساله نگاه کردند و خلاصه آنطور که بایید از این جریان حمایت نشید، شاید اگر بیشتر مورد حمایت واقع می شد

شاهد اتفاقات بهتری بودیم. سیاست گذاران فرهنگی

اگر سیاستگذاران فرهنگی ما در س معاونت و وزارت حمایت می کردند و جلوی بحثهایی که برخی روزنامههای تندرو نسبت بعث مسأله انجام می دادند می ایستادند شاید اتفاقات خوبی هم می افتاد و بخش وسسیعی از ادبیات معاصر ایران از رهگنر حمایت از این مقوله شنیده و دیده می شد.

یکی از ابزارهای اصلی دنیای موسیقی در شرایط کنونی، ت.به ویژه امروز که مخاطبان از سنین کودکی یعنی ۱۰- اسالگی وارد حوزه شنیداری می شوند و موسیقی گوش می کنند. بنابراین، کلام در یک اثر موسیقایی نقش مهمی را ا بفامي کند

ـتگی زیادی به سـراینده آن دارد. امروز از طیفهای مختلفی ترانهسرا داریه، یعنی هم ترانهسرای هجده ساله داریم و هم ترانهسرایی که در این وادی به پختگی رسیده است. ولی معمولا خودمن كلام آن گروهاز ترانهسرایانی رادوست دارم كهاحساس کنم در حین توجه به ترانهســرایی معاصر، گوشهچ هم به ادبیات کلاسیک دارند و زوایاییی از مقوله های حکمت و فلسفه و جامعه شناسی نیر در این آثار دیده می شود

درحالی که پیش تر، یعنی در دهههای شـصت و هفتاد این مســأله معمول نبود که در محافل شُعرخوانی، شاعر ترانه هم بخواند. این اتفاق خوبی است؟ یں اتفاق خوبی است، البته من این مس بیشگویی کردہ بودم و خودم هم جزء نخ ئسانی بودم کے بار شعر را بے دوش ترانه گذاشتم و ُحتٰی آن زمان اسم این حُرکت را هم گذاشتم شـعر محاوره. اعتقادم بر این است که هر اسمی بتواند ژانر مشخصی خلق و با مردم ارتباط برقرار کند، حتی اگر زبان و قالب هم شُكْسته شُودٌ وُلي از آن منطقَ برخوردار باشد و بازاری نشود خُوب اُست. شعر در دهههای چهل و پنجاه به

فراخور رویدادهای اجتماعی- سیاسے از جوشـش بیشــتری برخوردار بود، ولی هرچه پیشتر آمدیم بهنظر میرسد شعر هرچه پیس بر آمدیم به نصر می رسد سمر تأثیر اصلی خودش را از دست داده است. با این مسأله موافقید؟

ه من معتقدم كـه همهچيز را نبايد فقط

در شاعران جستوجو كرد. بلکه اتفاقات بزرگ تـری در جامعه میافتد که تاثیراتـی در جامعـه و فرهنـگ و ادبیات مى گذارد. صرفنظر از اينها، اگر مى بينيد كه ی را در این از این از دارد، به این خاطر شعر امروز تأثیر گذشته را ندارد، به این خاطر است که در حال حاضر جامعه ما دستخوش بی آرمانی شده است. به بیان ساده تر ، در حال حاضر شاهد افول ایدئولـوژی و آرمان گرایی هستنج و این افول باعث شده تیا حامعه آن نرژِی را از دست بدهد و در نتیجه، شـعر هم ان طور که باید خاص نباشــد. ما شاعری به نام سلمان هراتی داشتیم که اگرچه عمر کوتاهی داشت ولی در همان سالهای شاعریاش با انرژی آرمان خواهانه پیشرفت کرد و این مولفه

درُ شُعرهُایش نیز نمود یافت. یا بهطور ملوله در سال های جنت، جوانان هجده نوزده سالهای بودند که به دلیل داشتن مولفه آرمان خواهی حتی به درجه فرمانده بودن میررسیدند. اما شور آرمان خواهی امروز دیگر نیست و رنگ یاخته است.

در اوایل گفت و گو به این مساله اشاره کردیــد کــه موســیقی از حامــی جــدی برخوردار نیســت، درحالی که این مسأله بر طوره از پیست در سی حایی سایت تنها مبتلا به موسیقی نیست و وضع شعر هم همین است، یعنی شعر بر خلاف دیگر هنرها هنــوز یک خانه نــدارد، البته خانه شــاًعرانِ دُر اَين ارتباط هست ولى بهنظر میرسد که وجود این خانه کافی نی **ــ که** درست اســ خانــها 

هرازگاهیی در ایس خانیه دور یکدیگر جمع شیوند، اما درباره شعر این طور نیست.درباره خانه شاعران هم که اشیاره کردید باید بگویم رے۔,۔ ایسن خانہ یک نہاد صنف ۔۔۔۔ یب بہد صنفسی نیا خاندر کاران این خانہ از ابت ۔ نبودند که میخواهند ادبیات ایران را گرد هم جمع کنند. آنجا یک موسسه خصوصی است جمع سند. انجایت موسسته حصوصی است و صنفی هم نیست،به عبارتی «NGO»ای هم برایش تدوین شد. منتهی مسأله اینجاس که ادبیات خانـه ندارد و فقـط جایی حمایت

میشود که سفارشی باشد صرت مسارسی بست. خود شــما به عنوان یک شــاعر چقدر با

و نویسنده و هنرمند می دهد، مثل زمانی که ما از جنگ، شعر می گفتیم، یعنی صحنههایی را در جبهه می دیدیم که خود به خود ر مر ببهت می این بیان می است به است یک سفارش می گرفتیم. حتی خاطرم هست یک بار شهیدی را در امامــزاده صالح آباد به خاک پردند و دیدن این صحنه باعث شد تا شعری سپردند و دیدن این صحیه باخت سد تا سعری را برای مادر شهید بگویم. یا مشلا بمبارانی پیش می آمد و شاعر ناخود آگاه از این مسأله

پیش هی هنه و سطام و عوده که از ایر برای سرودن شعر الهام می گرفت. طی سال های اخیر که دبیری جی<sup>د</sup> تَأْثير بكُذارد؟

.. - رای حرستی سم می توانستند در پا گرفتن این نظریه موثر باشند؟